Original Article Open Access



Child Rights Journal

2024; 6(22): 21-33

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Medical Law

The Iranian Association of Child Rights

Working Children: Comparison of the Judgments of the European Court of Human Rights and the General Comments of the Committee on the Rights of the Child

Aram Abbaspour Jalali[1*], Navid Zamaneh Ghadim[1]

1. Department of Law, Roshdiyeh Higher Education Institute, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Background and purpose: The phenomenon of child labor, as one of the serious human rights issues, has always been the focus of international organizations. The European Court of Human Rights and the Committee on the Rights of the Child are among the most important legal institutions that play an effective role in protecting children's rights and combating child labor. This article examines and compares the opinions of the European Court of Human Rights and the interpretations of the Committee on the Rights of the Child in order to analyze the differences and similarities of these two institutions in dealing with the issue of child labor.

Method: Using the analytical-adaptive method, this research first examines the opinions and decisions of the European Court of Human Rights regarding child labor and then analyzes the interpretations and recommendations of the Committee on the Rights of the Child. Finally, by matching the views of these two institutions, their points of commonality and difference are determined.

Results: The findings of this research show that the European Court of Human Rights and the Committee on the Rights of the Child both emphasize the importance of protecting the rights of working children, but there are differences in the implementation approaches and how to deal with violations of these rights. The European Court deals primarily with cases on a case-by-case basis, while the Committee on the Rights of the Child monitors governments more through public commentaries and periodic reports.

Conclusion: The conclusion of this article shows that more alignment and coordination between international human rights institutions is needed to deal more effectively with the phenomenon of child labor. The European Court of Human Rights and the Committee on the Rights of the Child, each with their own approaches, have a significant contribution to improving the rights of working children, but greater cooperation and interaction between these two institutions can lead to more effective results in dealing with child labor.

Keywords: Child Rights; Working Children; European Court of Human Rights; Committee on the Rights of the Child

Corresponding Author: Aram Abbaspour Jalali; **Email:** Aram.abbaspour@gmail.com

Received: January 08, 2024; **Accepted:** April 11, 2024

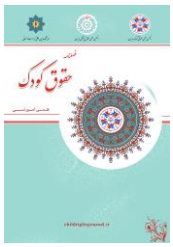
Please cite this article as:

Abbaspour Jalali A, Zamaneh Ghadim N. Working Children: Comparison of the Judgments of the European Court of Human Rights and the General Comments of the Committee on the Rights of the Child. Child Rights Journal. 2024; 6(22): 21-33.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره ششم، شماره بیست‌ودوم، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۳۳-۲۱

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

کودکان کار: هم‌سنجی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر کمیته حقوق کودک

آرام عباسپور جلالی[1]*، نوید زمانه قدیم[1]

۱. گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده کار کودکان به عنوان یکی از مسائل جدی حقوق بشر، همواره مورد توجه نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک از مهم‌ترین نهادهای حقوقی هستند که نقش مؤثری در حمایت از حقوق کودکان و مقابله با کار کودکان ایفا می‌کنند. این مقاله به بررسی و هم‌سنجی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر کمیته حقوق کودک می‌پردازد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نهاد در مواجهه با مسأله کار کودکان تحلیل شود.

روش: این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی ـ تطبیقی، ابتدا به بررسی آرا و تصمیمات دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص کار کودکان پرداخته و سپس تفاسیر و توصیه‌های کمیته حقوق کودک را تحلیل می‌کند. در نهایت، با تطبیق دیدگاه‌های این دو نهاد، نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها مشخص می‌شود.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک هر دو بر اهمیت حفاظت از حقوق کودکان کار تأکید دارند، اما در رویکردهای اجرایی و نحوه برخورد با موارد نقض این حقوق تفاوت‌هایی وجود دارد. دیوان اروپایی عمدتاً به صورت قضایی و موردی به مسائل می‌پردازد، در حالی که کمیته حقوق کودک بیشتر از طریق تفاسیر عمومی و گزارش‌های دوره‌ای بر دولت‌ها نظارت دارد.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری این مقاله نشان می‌دهد که همسویی و هماهنگی بیشتری بین نهادهای بین‌المللی حقوق بشر برای مقابله مؤثرتر با پدیده کار کودکان مورد نیاز است. دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک، هر یک با رویکردهای خاص خود، سهم قابل توجهی در بهبود وضعیت حقوق کودکان کار دارند، اما همکاری و تعامل بیشتر این دو نهاد می‌تواند به نتایج مؤثرتری در زمینه مقابله با کار کودکان منجر شود.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ کودکان کار؛ دیوان اروپایی حقوق بشر؛ کمیته حقوق کودک

نویسنده مسئول: آرام عباسپور جلالی؛ **پست الکترونیک:** Aram.abbaspour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Abbaspour Jalali A, Zamaneh Ghadim N. Working Children: Comparison of the Judgments of the European Court of Human Rights and the General Comments of the Committee on the Rights of the Child. Child Rights Journal.2024; 6(22): 21-33.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

پدیده کار کودکان از گذشته‌های دور یکی از چالش‌های مهم حقوق بشری بوده که اثرات عمیقی بر رشد جسمانی، روانی و اجتماعی کودکان دارد. در دهه‌های اخیر، نهادهای حقوق بشری مختلفی در سطح بین‌المللی به مبارزه با این معضل پرداخته‌اند. در این زمینه، دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک دو نهاد کلیدی به شمار می‌آیند که با صدور آرا و تفاسیر مختلف، تلاش کرده‌اند تا کشورها را ملزم به رعایت حقوق کودکان و جلوگیری از استثمار آنان در قالب کارهای غیر مجاز کنند. در پژوهش‌های پیشین، نقش و عملکرد این دو نهاد مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال، در مطالعه خود به بررسی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه حمایت از کودکان کار پرداخته و نشان داده که دیوان چگونه از قدرت قضایی خود برای تبیین استانداردهای جدید حقوق بشری بهره برده است (۱). جونز (Jones) نیز در تحلیل تفاسیر عمومی کمیته حقوق کودک به تأثیرات مثبت این تفاسیر در اصلاح سیاست‌های ملی کشورها در قبال کار کودکان اشاره کرده است (۲). در همین راستا، براون (Brown) به مطالعه تطبیقی میان عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک پرداخته و به تفاوت‌های کلیدی در نحوه تفسیر و اجرای قوانین در این دو نهاد اشاره کرده است (۳). میلر (Miller) به بررسی چالش‌های نظارتی کمیته حقوق کودک پرداخته و پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد این نهاد ارائه کرده است (۴). همچنین داویس (Davis) در پژوهش خود نشان داده که هماهنگی و همکاری بیشتر میان دیوان و کمیته می‌تواند تأثیرات مثبتی در کاهش پدیده کار کودکان داشته باشد (۵).

با وجود این تلاش‌ها و پژوهش‌ها، مسائلی مانند تفاوت‌های رویکردی میان این دو نهاد و عدم هماهنگی کامل در اجرای تصمیمات همچنان باقی است. یکی از مشکلات اساسی این است که دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یک نهاد قضایی بیشتر بر مبنای پرونده‌های خاص به موضوعات حقوقی می‌پردازد، در حالی که کمیته حقوق کودک بیشتر به رویکرد نظارتی و ارائه تفاسیر عمومی تکیه دارد. این تفاوت در نحوه اجرا و تفسیر می‌تواند منجر به چالش‌های اجرایی و عدم همگامی کامل در محافظت از حقوق کودکان کار شود. این مقاله در پی بررسی و تحلیل این مسأله است که چگونه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک در مقابل پدیده کار کودکان اقدام کرده‌اند و چه هم‌پوشانی و تفاوت‌هایی در عملکرد آن‌ها وجود دارد.

سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک به مسأله کار کودکان پرداخته و چه تفاوت‌ها و هم‌پوشانی‌هایی در رویکردهای آن‌ها وجود دارد؟ فرضیه این پژوهش این است که هرچند هر دو نهاد به طور جدی در پی حفظ حقوق کودکان هستند، اما تفاوت‌های کلیدی در نحوه تفسیر، اجرای حقوق و نظارت بر آن‌ها وجود دارد که می‌تواند به تعامل بیشتر میان این نهادها منجر شود.

کار کودکان به عنوان یکی از نقض‌های جدی حقوق بشر، نه‌تنها سلامت جسمانی و روانی کودکان را تهدید می‌کند، بلکه توسعه پایدار کشورها را نیز با چالش مواجه می‌سازد. با توجه به جهانی‌بودن این معضل، تلاش‌های بین‌المللی در راستای مبارزه با کار کودکان اهمیت بسیاری دارد. دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک به عنوان دو نهاد تأثیرگذار در این حوزه، هر یک نقش مهمی در تبیین و اجرای حقوق بین‌المللی کودکان دارند. این پژوهش با تمرکز بر این دو نهاد، به دنبال تحلیل دقیق‌تر نحوه تعامل آن‌ها با مسأله کار کودکان و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود همکاری‌های بین‌المللی است. هدف اصلی این

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

پژوهش، بررسی و تحلیل تطبیقی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر کمیته حقوق کودک در زمینه کار کودکان است. این مطالعه در پی کشف نقاط اشتراک و افتراق این دو نهاد در مواجهه با کار کودکان است و به دنبال ارائه راهکارهایی برای بهبود هماهنگی میان نهادهای حقوق بشری بین‌المللی در مقابله با این معضل جهانی می‌باشد.

روش

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی ـ تطبیقی، ابتدا به بررسی آرا و تصمیمات دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص کار کودکان پرداخته و سپس تفاسیر و توصیه‌های کمیته حقوق کودک را تحلیل می‌کند. در نهایت، با تطبیق دیدگاه‌های این دو نهاد، نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها مشخص می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک هر دو بر اهمیت حفاظت از حقوق کودکان کار تأکید دارند، اما در رویکردهای اجرایی و نحوه برخورد با موارد نقض این حقوق تفاوت‌هایی وجود دارد. دیوان اروپایی عمدتاً به صورت قضایی و موردی به مسائل می‌پردازد، در حالی که کمیته حقوق کودک بیشتر از طریق تفاسیر عمومی و گزارش‌های دوره‌ای بر دولت‌ها نظارت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. کودکان کار در اسناد بین‌المللی: کودکان کار به آن دسته از کودکانی اطلاق می‌شود که در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند و این مشارکت به نوعی است که موجب محرومیت آن‌ها از دوران کودکی، حق تحصیل و رشد کامل می‌شود. کار کودکان به طور مستقیم یا غیر مستقیم سلامت جسمانی، روانی و توسعه شخصیتی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. مفهوم کار کودکان در حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از مهم‌ترین نقض‌های حقوق بشر تلقی می‌شود و در اسناد مختلف بین‌المللی به صورت جامع مورد بحث قرار گرفته است. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی، در ماده ۳۲ خود به صراحت به حمایت از کودکان در برابر بهره‌کشی اقتصادی و کارهایی که برای آن‌ها مضر است، اشاره دارد. این ماده تصریح می‌کند که کشورها باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از کارهایی که برای کودکان خطرناک است یا مانع تحصیل، سلامت جسمی و روانی آن‌ها می‌شود، اتخاذ کنند. این کنوانسیون، کودکان کار را به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه می‌شناسد که نیازمند حمایت‌های ویژه حقوقی هستند (۶). علاوه بر این، مقاوله‌نامه سازمان بین‌المللی کار شماره ۱۳۸ (۱۹۷۳ م.) که به «حداقل سن برای پذیرش به کار» می‌پردازد، یکی از اسناد کلیدی در تعریف و تنظیم استانداردهای بین‌المللی کار کودک است. این کنوانسیون حداقل سن برای کار را ۱۵ سال تعیین می‌کند، هرچند در کشورهای در حال توسعه می‌تواند تا ۱۴ سال کاهش یابد. همچنین برای کارهای خطرناک، حداقل سن ۱۸ سال تعیین شده است (۷). این کنوانسیون تأکید دارد که کار کودکان تنها در صورتی مجاز است که تأثیری منفی بر سلامت یا تحصیل آن‌ها نداشته باشد. مقاوله‌نامه سازمان بین‌المللی کار شماره ۱۸۲ (۱۹۹۹ م.) در خصوص بدترین اشکال کار کودک، به عنوان یکی دیگر از اسناد مهم بین‌المللی، تعریفی جامع از کارهایی ارائه می‌دهد که به عنوان «بدترین اشکال» کار کودک شناخته می‌شوند. این کنوانسیون

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

تأکید دارد که هرگونه کاری که به استثمار، قاچاق، بردگی یا هر نوع فعالیت غیر قانونی منجر شود، باید ممنوع شود. این کنوانسیون از کشورهای عضو می‌خواهد که به سرعت و با اولویت با این اشکال کار کودک مقابله کنند (۸). از سوی دیگر، در تفسیر عمومی شماره ۱۶ کمیته حقوق کودک (۲۰۱۳ م.) نیز بر اهمیت ممانعت از کار کودکان و بهره‌کشی اقتصادی آن‌ها تأکید شده و خواسته شده است که دولت‌ها تمامی اقدامات لازم را برای حفاظت از کودکان در برابر چنین شرایطی اتخاذ کنند. این تفسیر، مشارکت کودکان در کارهایی که مانع از رشد آنان می‌شود یا آن‌ها را در معرض خطرات جسمی و روانی قرار می‌دهد را نقض آشکار حقوق کودک می‌داند (۹).

۱-۲. کودکان کار در قوانین ملی: کشورهای مختلف با توجه به سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، قوانین و مقررات متنوعی برای مبارزه با کار کودکان تصویب کرده‌اند. این قوانین در بسیاری از موارد تحت تأثیر اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار تدوین شده‌اند. با این حال، اجرای قوانین ملی در زمینه کار کودکان به شدت به سیاست‌ها، امکانات و تعهدات دولتی بستگی دارد.

در ایران، قانون کار به صراحت به مسأله کار کودکان پرداخته است. طبق ماده ۷۹ قانون کار ایران، به کارگماردن افراد زیر ۱۵ سال ممنوع است. همچنین در ماده ۸۰ این قانون آمده است که افراد ۱۵ تا ۱۸ سال می‌توانند تحت شرایط خاصی به کار مشغول شوند، اما نباید در کارهای خطرناک، سنگین یا زیان‌آور مشغول به کار شوند. همچنین قوانین ایران کارفرمایان را ملزم می‌کند که از ساعات کاری منطبق با سن و توانایی جسمی کودک استفاده کنند، هرچند اجرای کامل این قوانین در برخی مناطق، به ویژه مناطق محروم، با چالش‌هایی مواجه است.

هند به عنوان یکی از کشورهایی که تعداد زیادی از کودکان کار را دارد، قوانین متعددی برای مقابله با این معضل وضع کرده است. قانون ممنوعیت و تنظیم کار کودکان (۱۹۸۶ م.) به طور خاص به ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۴ سال در مشاغل خطرناک پرداخته است. علاوه بر این، قانون حق تحصیل رایگان و اجباری (۲۰۰۹ م.) تأکید می‌کند که تمامی کودکان ۶ تا ۱۴ سال باید آموزش رایگان و اجباری داشته باشند. در سال ۲۰۱۶، اصلاحیه‌ای به این قانون اضافه شد که کار کودک را در هر نوع شغلی به جزء کارهای خانوادگی و صنایع دستی سنتی ممنوع کرد (۱۰)، هرچند اجرای این قوانین نیز در مناطق روستایی و فقرزده هند با مشکلاتی مواجه است و همچنان میلیون‌ها کودک در صنایع دستی و کشاورزی مشغول به کار هستند.

در ایالات متحده، قوانین کار کودکان به‌طور گسترده‌ای در سطح فدرال و ایالتی تنظیم شده است. قانون استانداردهای کار منصفانه که در سال ۱۹۳۸ تصویب شد، از جمله اولین قوانین ملی برای تنظیم کار کودکان در آمریکا بود. این قانون کار کودکان زیر ۱۶ سال را در مشاغل خطرناک ممنوع کرده و ساعات کار کودکان بین ۱۴ تا ۱۶ سال را محدود کرده است. علاوه بر این، هر ایالت قوانین خاص خود را در این زمینه دارد که برخی از آن‌ها حتی از مقررات فدرال نیز سختگیرانه‌تر هستند (۱۱). با این حال، در برخی ایالات، به ویژه در بخش‌های کشاورزی، کودکان همچنان مشغول به کار هستند.

در بریتانیا، قوانین مربوط به کار کودکان تحت قانون کودکان و نوجوانان (۱۹۳۳ م.) تنظیم شده است که به مرور زمان اصلاحات متعددی داشته است. این قانون به صراحت کار کودکان زیر ۱۳ سال را ممنوع کرده و برای

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

نوجوانان بین ۱۳ تا ۱۶ سال شرایط خاصی را برای کار تنظیم کرده است. مقررات کار کودکان (۱۹۹۸ م.) نیز به طور مشخص شرایط کاری کودکان در بریتانیا را تنظیم می‌کند و تأکید دارد که کودکان نباید در مشاغل خطرناک و سنگین مشغول به کار شوند (۱۲). همچنین تحصیل اجباری تا سن ۱۸ سالگی در بریتانیا تضمین شده است که از ورود زودهنگام کودکان به بازار کار جلوگیری می‌کند.

برزیل نیز یکی از کشورهایی است که در آن مسأله کار کودکان به شدت چالش‌برانگیز بوده است. با این حال، دولت برزیل با تصویب قانون اساسی (۱۹۸۸ م.) و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کار کودکان زیر ۱۶ سال را به جزء کارهای آموزشی و کارآموزی ممنوع کرده است. همچنین برزیل در اجرای برنامه‌های حمایتی برای خروج کودکان از بازار کار و فراهم‌کردن آموزش رایگان پیشرفت‌های زیادی داشته است. برنامه‌های نظارتی و حمایتی در برزیل با مشارکت نهادهای بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی کار باعث شده است که نرخ کار کودکان در این کشور به طور قابل توجهی کاهش یابد (۱۳).

۲. آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در رسیدگی به موضوع کودکان کار:

دیوان اروپایی حقوق بشر نقش مهمی در توسعه و حمایت از حقوق کودکان، به ویژه در موضوعات مرتبط با کار کودکان، ایفا کرده است. دیوان با استفاده از مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به بررسی مواردی پرداخته است که بهره‌کشی اقتصادی کودکان یا کار اجباری آن‌ها را شامل می‌شود. در آرای دیوان، توجه ویژه‌ای به مسائلی مانند بردگی مدرن، بهره‌کشی اقتصادی و تأثیرات منفی کار کودکان بر آموزش و رشد روانی و جسمانی آن‌ها شده است.

۲-۱. پرونده‌های مرتبط با ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (منع بردگی و کار اجباری):

ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به منع بردگی و کار اجباری می‌پردازد، به طور مکرر در پرونده‌های مربوط به کار کودکان مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین آرا در این زمینه، پرونده سیلیادین علیه فرانسه (Siliadin v France) (۲۰۰۵ م.) است. در این پرونده، دیوان شرایط یک دختر نوجوان از توگو را که تحت شرایط شبیه به بردگی خانگی در فرانسه کار می‌کرد، بررسی کرد. دیوان حکم داد که فرانسه در عدم محافظت از این نوجوان در برابر کار اجباری کوتاهی کرده است و این مسأله به نقض ماده ۴ منجر شده است. این رأی به عنوان یکی از سنگ بناهای دیوان در حمایت از کودکان در مقابل بردگی مدرن شناخته می‌شود (۱۴).

در پرونده چادوری و دیگران علیه یونان (Chowdury and Others v. Greece) (۲۰۱۷ م.) دیوان با بررسی شرایط گروهی از کارگران مهاجر، از جمله چندین نوجوان که در شرایط بسیار دشوار در مزارع کشاورزی مشغول به کار بودند، به این نتیجه رسید که این افراد قربانی کار اجباری و بهره‌کشی اقتصادی بوده‌اند. در این پرونده، دیوان به صراحت اعلام کرد که دولت یونان در اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از کار اجباری و محافظت از کارگران کوتاهی کرده است که این امر به نقض ماده ۴ کنوانسیون منجر شده است (۱۵).

پرونده تی.ام و سی.ام علیه مولداوی (T.M. and C.M. v. Moldova) (۲۰۲۱ م.) یکی از جدیدترین آرای دیوان است که به وضعیت کودکان مهاجر از مولداوی پرداخته است که قربانی قاچاق انسان و کار اجباری شدند. دیوان حکم داد که دولت مولداوی در محافظت از این کودکان در مقابل قاچاق و کار اجباری کوتاهی کرده است و اعلام کرد که نقض ماده ۴ کنوانسیون اروپایی در این پرونده

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

محرز است. این پرونده بار دیگر به تعهدات دولت‌ها در قبال کودکان مهاجر و قربانیان قاچاق تأکید کرد و مسئولیت دولت‌ها را در ارائه حمایت‌های حقوقی و اجتماعی تقویت کرد (۱۶).

۲-۲. پرونده‌های مرتبط با حق تحصیل و آموزش کودکان کار: دیوان اروپایی حقوق بشر همچنین در مواردی که کار کودکان منجر به محرومیت از حق تحصیل و آموزش شود، به این مسأله پرداخته است.

در پرونده وی علیه انگلستان (V. v. United Kingdom) (۱۹۹۹ م.) یکی از نکات مهمی که دیوان به آن پرداخت، محرومیت کودکان کار از آموزش مناسب بود. دیوان در این پرونده تأکید کرد که کار اجباری و استثمار کودکان، به ویژه وقتی که مانع تحصیل آن‌ها شود، نقض آشکار حقوق اساسی کودکان تحت ماده ۲ پروتکل ۱ کنوانسیون اروپایی (حق تحصیل) است (۱۷).

پرونده دی.اچ و دیگران علیه جمهوری چک (D.H. and Others v. Czech Republic) (۲۰۰۷ م.) یکی از مهم‌ترین پرونده‌های مرتبط با این موضوع است. در این پرونده، گروهی از کودکان از اقلیت روما به دلیل تبعیض سیستماتیک و عدم دسترسی به آموزش مناسب، مجبور به کارهای غیر قانونی شدند. دیوان حکم داد که این وضعیت نقض ماده ۱۴ (منع تبعیض) و ماده ۲ پروتکل ۱ (حق تحصیل) کنوانسیون است. این رأی به عنوان یکی از احکام برجسته دیوان در رابطه با حقوق کودکان و ارتباط میان آموزش و کار کودک شناخته می‌شود (۱۸).

در پرونده زنالووا و زنال علیه جمهوری چک (Zehnalova and Zehnal v. Czech Republic) (۲۰۰۲ م.) دیوان به بررسی موردی پرداخت که کودکان از تحصیل محروم شده بودند و به دلیل شرایط اقتصادی خانواده‌ها مجبور به کار بودند. این پرونده به رابطه نزدیک میان محرومیت از حق تحصیل و بهره‌کشی اقتصادی کودکان اشاره دارد. دیوان در این پرونده اعلام کرد که دولت چک در حمایت از کودکان و تأمین شرایط تحصیلی مناسب کوتاهی کرده است و این امر موجب نقض ماده ۲ پروتکل ۱ (حق تحصیل) شده است (۱۹).

۲-۳. پرونده‌های مرتبط با بهره‌کشی اقتصادی کودکان: یکی از موضوعات مهم دیگر که دیوان اروپایی حقوق بشر به آن پرداخته است، موضوع بهره‌کشی اقتصادی کودکان در کارهای خطرناک است. در پرونده سی.ان و وی علیه فرانسه (C.N. and V. v. France) (۲۰۱۲ م.) دیوان با بررسی شرایط دو کودک که به طور غیر قانونی در کارخانه‌های تولیدی کار می‌کردند، به این نتیجه رسید که کار این کودکان نه‌تنها منجر به استثمار اقتصادی آن‌ها شده است، بلکه سلامت و امنیت جسمی آن‌ها را نیز به طور جدی به خطر انداخته است. دیوان در این پرونده نیز نقض ماده ۴ کنوانسیون را تأیید کرد و تأکید کرد که دولت‌ها موظف به اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از کارهای خطرناک کودکان هستند (۲۰).

در سال‌های اخیر، دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی موارد بیشتری از بهره‌کشی اقتصادی کودکان پرداخته است. پرونده ال.ای علیه یونان (L.E. v. Greece) (۲۰۱۸ م.) یکی از جدیدترین آرای دیوان است که در آن به بهره‌کشی اقتصادی کودکان در زمینه قاچاق انسان پرداخته شد. در این پرونده، یک کودک قربانی قاچاق انسان برای کارهای غیر قانونی بود و دیوان حکم داد که یونان در محافظت از این کودک در مقابل بهره‌کشی اقتصادی کوتاهی کرده است. این پرونده نشان‌دهنده گسترش دامنه آرای دیوان در زمینه کار کودکان به حوزه‌هایی همچون قاچاق انسان و بهره‌کشی اقتصادی است (۲۱).

پرونده امو سی و دیگران علیه ایتالیا و بلغارستان (M.C. and Others v. Italy and Bulgaria) (۲۰۲۰ م.) نیز به

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

بررسی شرایط کودکان مهاجر پرداخت که در خطر استثمار اقتصادی و کار غیر قانونی بودند. دیوان در این پرونده اعلام کرد که هر دو کشور در ارائه محافظت کافی برای جلوگیری از استثمار اقتصادی کودکان کوتاهی کرده‌اند. این حکم بار دیگر تأکید دیوان بر مسئولیت دولت‌ها در قبال مهاجران و کودکان آسیب‌پذیر را تقویت کرد (۲۲).

پرونده اوکف علیه ایرلند (O'Keeffe v. Ireland) (۲۰۱۴ م.) به موضوع سوءاستفاده‌های جسمانی و بهره‌کشی کودکان در مدارس کاتولیک ایرلند پرداخته است. دیوان در این پرونده با اشاره به نقض ماده ۳ (منع شکنجه و رفتار غیر انسانی یا تحقیرآمیز) و ماده ۱۳ (حق داشتن جبران مؤثر) کنوانسیون، اعلام کرد که دولت ایرلند در فراهم‌کردن محافظت کافی برای کودکان در برابر سوءاستفاده و بهره‌کشی کوتاهی کرده است، هرچند این پرونده به طور خاص بر کار اجباری کودکان تمرکز نداشت، اما به طور کلی به استثمار کودکان و مسئولیت دولت‌ها در حمایت از آن‌ها پرداخته است (۲۳).

در پرونده سی.ان علیه انگلستان (C.N. v. United Kingdom) (۲۰۱۲ م.) دیوان به وضعیت یک کودک کارگر خانگی در بریتانیا که تحت شرایط استثمار اقتصادی و جسمانی کار می‌کرد، پرداخت. دیوان حکم داد که شرایط این کودک کار خانگی به عنوان بردگی و کار اجباری محسوب می‌شود و دولت بریتانیا در عدم محافظت از او در برابر این استثمار نقض حقوق بشر را مرتکب شده است. این رأی بار دیگر بر اهمیت محافظت از کودکان در مقابل کارهای خانگی که اغلب غیر قانونی و به صورت استثماری هستند، تأکید کرد (۲۴).

۲-۴. تحلیل آرای دیوان اروپایی حقوق بشر: یکی از نکات برجسته در تحلیل آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، تفسیر جامع و حقوقی این نهاد از مفاهیم مربوط به کار اجباری و بهره‌کشی اقتصادی است. دیوان با استناد به ماده ۴ کنوانسیون اروپایی و همچنین پروتکل‌های مرتبط با حق تحصیل و ممنوعیت استثمار، تلاش کرده تا استانداردهای حقوقی روشنی را در ارتباط با کودکان کار تعریف کند. در بسیاری از موارد، دیوان نه‌تنها به حقوق کودک در مقابل کار اجباری و استثمار اقتصادی توجه کرده، بلکه بر لزوم ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمد برای جلوگیری از چنین پدیده‌هایی تأکید کرده است (۲۵). علاوه بر این، دیوان در موارد مختلف به مسئولیت دولت‌ها در زمینه حمایت از کودکان، نه‌تنها در برابر کار اجباری، بلکه در مقابل هرگونه کار اقتصادی که سلامت جسمی و روانی کودکان را به خطر می‌اندازد، تأکید کرده است. این دیدگاه‌های حقوقی دیوان در بسیاری از کشورها به عنوان مبنایی برای تدوین قوانین ملی در زمینه کار کودکان به کار گرفته شده است.

دیوان همچنین به طور مستقیم به ارتباط میان کار کودکان و حق تحصیل آن‌ها پرداخته و اعلام کرده است که هرگونه بهره‌کشی اقتصادی که منجر به محرومیت کودکان از آموزش شود، نقض آشکار حقوق بشر است. از جمله چالش‌هایی که دیوان با آن مواجه است، عدم هماهنگی کامل میان قوانین ملی کشورها و استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی است. این مسأله به ویژه در پرونده‌های مربوط به کودکان مهاجر و کار غیر قانونی آن‌ها به چشم می‌خورد که در آن‌ها اجرای قوانین به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی با مشکل مواجه است (۲۶). به طور کلی این آرا نشان‌دهنده تعهد مستمر دیوان به توسعه و حمایت از حقوق کودکان در سطح ملی و بین‌المللی است. دیوان با استناد به مواد مختلف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به ویژه ماده ۴ (منع بردگی و کار اجباری) و ماده ۲ پروتکل ۱ (حق تحصیل)، بر لزوم ایجاد سازوکارهای حقوقی و نظارتی کارآمد برای

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

جلوگیری از استثمار اقتصادی و کار کودکان تأکید کرده است. این آرا نقشی کلیدی در توسعه حقوق بین‌المللی کودکان و سیاست‌گذاری‌های ملی برای مقابله با کار کودکان و بهره‌کشی اقتصادی ایفا کرده‌اند.

۳. کمیته حقوق کودک و کودکان کار: کمیته حقوق کودک که به عنوان نهاد نظارتی اصلی بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک فعالیت می‌کند، نقش کلیدی در تفسیر و توضیح مواد مختلف این کنوانسیون دارد. یکی از ابزارهای مهم کمیته برای پیشبرد و توسعه حقوق کودکان، صدور تفاسیر عمومی (General Comments) است. این تفاسیر به طور رسمی راهنمایی‌هایی درباره تفسیر صحیح و اجرای مواد کنوانسیون ارائه می‌دهند و برای کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، ابزارهای مهمی برای پیاده‌سازی تعهدات حقوق بشری محسوب می‌شوند. در زمینه کار کودکان، کمیته حقوق کودک چندین تفسیر عمومی صادر کرده است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به مسأله کار کودکان می‌پردازد.

۳-۱. تفاسیر عمومی کمیته حقوق کودک در زمینه کار کودکان: یکی از مهم‌ترین تفاسیر عمومی، تفسیر عمومی شماره ۱۶ است که به مسئولیت دولت‌ها در قبال تأثیرات فعالیت‌های بخش خصوصی و شرکت‌ها بر حقوق کودکان می‌پردازد. در این تفسیر، کمیته به صراحت اشاره کرده است که دولت‌ها باید برای جلوگیری از بهره‌کشی اقتصادی کودکان و تضمین اینکه هیچ کودکی به کارهای خطرناک و زیان‌آور مشغول نشود، اقدامات جدی اتخاذ کنند. این تفسیر همچنین تأکید دارد که شرکت‌ها نباید کودکان را به عنوان نیروی کار مورد بهره‌برداری قرار دهند و دولت‌ها موظف به ایجاد سازوکارهای نظارتی برای جلوگیری از چنین مواردی هستند (۲۷).

این تفسیر عمومی به حق کودکان برای استراحت، تفریح، بازی و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری می‌پردازد. در این تفسیر، کمیته به طور غیر مستقیم به کار کودکان اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که اشتغال کودکان در کارهایی که مانع از بهره‌مندی آن‌ها از این حقوق می‌شود، نقض کنوانسیون محسوب می‌شود. این تفسیر به ویژه تأکید می‌کند که کار کودکان نباید مانعی برای رشد جسمانی و روانی آن‌ها باشد و دولت‌ها باید شرایطی را فراهم کنند که کودکان بتوانند از فرصت‌های مناسب برای تفریح و تحصیل بهره‌مند شوند (۲۷).

کمیته همچنین در تفسیر عمومی شماره ۱۹ که به بودجه‌گذاری دولت‌ها در راستای حقوق کودکان اختصاص دارد، بر اهمیت تخصیص منابع مالی برای مقابله با کار کودکان تأکید کرده است. در این تفسیر، کمیته اشاره دارد که دولت‌ها باید بودجه کافی برای ایجاد برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای کودکان کار اختصاص دهند و سازوکارهای نظارتی قوی برای جلوگیری از استثمار کودکان ایجاد کنند (۲۸).

۳-۲. تأثیر گزارش‌های دوره‌ای و توصیه‌های کمیته در مقابله با کار کودک: یکی از مهم‌ترین ابزارهای کمیته حقوق کودک برای نظارت بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک، بررسی گزارش‌های دوره‌ای کشورها و ارائه توصیه‌ها بر اساس این گزارش‌ها است. کشورهای عضو کنوانسیون موظف هستند به طور دوره‌ای گزارش‌هایی درباره وضعیت اجرای کنوانسیون و اقدامات خود در راستای حقوق کودکان به کمیته ارائه کنند. در این گزارش‌ها، کشورها باید توضیح دهند که چه تدابیری برای مقابله با کار کودکان و بهره‌کشی اقتصادی از آن‌ها اتخاذ کرده‌اند و چه چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد. کمیته پس از بررسی گزارش‌های دوره‌ای، توصیه‌هایی به کشورهای عضو ارائه می‌دهد که به طور خاص به نقاط ضعف و فرصت‌های بهبود اشاره دارد. این توصیه‌ها معمولاً شامل مواردی است که دولت‌ها باید اقدامات بیشتری

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

برای مقابله با کار کودکان انجام دهند. به عنوان مثال، کمیته در بررسی‌های خود از کشورهای مختلف، از آن‌ها خواسته است که قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای جلوگیری از کار کودکان تصویب کنند و برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای کودکان کار را گسترش دهند (۲۹). یکی از کشورهایی که کمیته به طور خاص درباره آن توصیه‌های قابل توجهی ارائه کرده است، هند است. در گزارش‌های دوره‌ای هند، کمیته حقوق کودک به وضوح بر وجود پدیده کار کودکان در صنایع دستی و کشاورزی این کشور تأکید کرد و از دولت هند خواست که اقدامات قوی‌تری در زمینه مبارزه با کار کودکان انجام دهد. کمیته به دولت هند توصیه کرد که آموزش اجباری را به طور کامل اجرا کند و کودکان کار را به مدارس بازگرداند. همچنین کمیته خواستار افزایش بودجه برای برنامه‌های حمایت از کودکان کار و تقویت سازوکارهای نظارتی شد (۱۰). در مورد برزیل، کمیته حقوق کودک پس از بررسی گزارش‌های دوره‌ای این کشور، از دولت برزیل خواست که برنامه‌های اجتماعی برای کودکان کار را گسترش داده و تضمین کند که هیچ کودکی به علت فقر اقتصادی به کار اجباری مشغول نشود. کمیته همچنین از برزیل خواست که در همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی کار برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای برای خروج کودکان از بازار کار اجرا کند. این توصیه‌ها به برزیل کمک کرد تا در سال‌های اخیر برنامه‌های مؤثری برای کاهش نرخ کار کودکان در این کشور اجرا کند (۱۳).

گزارش‌های دوره‌ای و توصیه‌های کمیته حقوق کودک تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌گذاری‌های ملی داشته‌اند. این توصیه‌ها به عنوان مبنایی برای ایجاد تغییرات قانونی و اجرایی در بسیاری از کشورها عمل کرده‌اند. با توجه به الزام‌آوربودن توصیه‌های کمیته، کشورها موظف به ارائه پاسخ و اقدامات لازم برای اجرای این توصیه‌ها هستند. در بسیاری از موارد، این توصیه‌ها باعث تصویب قوانین جدید، ایجاد برنامه‌های حمایتی و نظارتی قوی‌تر و بهبود شرایط کاری کودکان در کشورهای مختلف شده است (۳۰).

۴. هم‌سنجی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر کمیته حقوق کودک: دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک هر دو نهادهایی هستند که برای محافظت از حقوق کودکان در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای فعالیت می‌کنند. با وجود اینکه هر دو نهاد هدف مشابهی دارند ـ یعنی تضمین حقوق کودکان ـ اما در روش‌ها و ابزارهای قانونی خود تفاوت‌های قابل توجهی دارند. دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یک نهاد قضایی مستقل، به شکایات فردی یا دولتی رسیدگی می‌کند و بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصمیم‌گیری می‌کند. از سوی دیگر، کمیته حقوق کودک یک نهاد نظارتی وابسته به کنوانسیون حقوق کودک است که تفاسیر عمومی و توصیه‌هایی را در خصوص اجرای مواد این کنوانسیون ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان این دو نهاد، طبیعت الزام‌آور بودن تصمیمات دیوان و غیر الزام‌آوربودن تفاسیر و توصیه‌های کمیته است. به عنوان مثال، آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌هایی مانند سیلدیان علیه فرانسه (Siliadin v. France) (۲۰۰۵ م.) الزام‌آور است و دولت فرانسه موظف به اجرای آن بود، اما تفاسیر عمومی کمیته حقوق کودک، مانند تفسیر عمومی شماره ۱۶ که به مسئولیت شرکت‌ها در زمینه حقوق کودکان می‌پردازد، صرفاً راهنمایی برای دولت‌ها و بخش خصوصی است و الزام‌آور نیست.

علاوه بر این، دیوان اروپایی حقوق بشر عمدتاً به پرونده‌های قضایی و حقوقی فردی پرداخته و تصمیمات خود را بر اساس شواهد و حقایق پرونده‌ها اتخاذ می‌کند، در حالی که کمیته حقوق کودک به تفاسیر کلی و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

سیاست‌گذاری‌های گسترده می‌پردازد. تفاسیر کمیته حقوق کودک بر اساس تجربیات و تحلیل‌های عمومی از اجرای کنوانسیون حقوق کودک در کشورهای مختلف صادر می‌شود و بیشتر به تدوین استانداردهای حقوقی بلندمدت می‌پردازد.

دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک در برخورد با کار کودکان از رویکردهای متفاوتی بهره می‌گیرند. دیوان اروپایی حقوق بشر بیشتر به حمایت قضایی از حقوق کودکان در چهارچوب کنوانسیون اروپایی می‌پردازد. در پرونده‌هایی مانند رانتسو علیه قبرس و روسیه (Rantsev v. Cyprus and Russia) (۲۰۱۰ م.) دیوان به نقش دولت‌ها در جلوگیری از قاچاق و بهره‌کشی اقتصادی کودکان تأکید کرد و اعلام کرد که دولت‌ها باید تدابیر جدی‌تری برای جلوگیری از کار اجباری کودکان اتخاذ کنند. این پرونده‌ها معمولاً با تمرکز بر نقض‌های حقوقی فردی بررسی می‌شوند و دولت‌ها ملزم به اجرای احکام قضایی دیوان هستند (۳۱). در مقابل، کمیته حقوق کودک بیشتر به ارزیابی سیاست‌های کلی و تفسیر تعهدات دولت‌ها در زمینه مقابله با کار کودکان می‌پردازد. به عنوان مثال، در تفسیر عمومی شماره ۱۷، کمیته بر اهمیت حق کودکان برای استراحت و بازی تأکید می‌کند و اشاره دارد که کار کودکان نباید مانع از دسترسی آن‌ها به این حقوق شود. این تفاسیر بیشتر بر استانداردهای حقوقی بین‌المللی و راهنمایی دولت‌ها برای اجرای بهتر قوانین تأکید دارند و به طور مستقیم الزام‌آور نیستند.

دیوان در بررسی پرونده‌ها، از ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (منع بردگی و کار اجباری) بهره می‌گیرد و به نقش قضایی خود در حمایت از کودکان کار تأکید دارد. در مقابل، کمیته حقوق کودک با استفاده از مواد ۳۲ و ۳۶ کنوانسیون حقوق کودک، بر مسئولیت دولت‌ها در پیشگیری از استثمار اقتصادی و جلوگیری از کارهای خطرناک کودکان تمرکز دارد. این تفاوت در اصول و رویکردها نشان می‌دهد که دیوان بیشتر بر اجرای قضایی حقوق و کمیته بر راهبری و نظارت کلی بر سیاست‌ها تأکید دارد.

با وجود تفاوت‌های واضح میان دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق کودک، هر دو نهاد در تحلیل‌های حقوقی خود به اصول بنیادین حقوق بشر پایبند هستند. شباهت‌ها میان این دو نهاد در تأکید بر حقوق کودکان به عنوان بخشی از حقوق بشر جهانی و ضرورت حمایت از کودکان در برابر کار اجباری و استثمار اقتصادی است. هر دو نهاد بر این نکته تأکید دارند که کودکان باید در محیطی رشد کنند که آن‌ها را از هرگونه بهره‌کشی اقتصادی و استثمار محافظت کند.

در مجموع، دیوان اروپایی حقوق بشر با صدور آرای قضایی الزام‌آور به اجرای مستقیم حقوق کودک کمک می‌کند، در حالی که کمیته حقوق کودک با صدور تفاسیر و توصیه‌های غیر الزام‌آور، به پیشبرد سیاست‌های کلی برای بهبود وضعیت کودکان کار می‌پردازد.

در این مقاله به بررسی و هم‌سنجی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر کمیته حقوق کودک در زمینه کودکان کار پرداخته شد. هر دو نهاد تلاش‌های قابل توجهی در راستای حمایت از حقوق کودکان به ویژه در مقابل کار اجباری و بهره‌کشی اقتصادی انجام داده‌اند. دیوان اروپایی حقوق بشر از طریق صدور آرای الزام‌آور در پرونده‌های خاص و فردی، دولت‌ها را ملزم به اجرای تعهدات خود در چهارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر کرده است. از سوی دیگر، کمیته حقوق کودک با صدور تفاسیر عمومی و ارائه توصیه‌های غیر الزام‌آور، به طور گسترده به پیشبرد سیاست‌های کلان برای حمایت از کودکان پرداخته است. در نتیجه، هر دو نهاد از مسیرهای مختلف به دنبال تضمین حقوق کودکان هستند، اما به

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

نظر می‌رسد نیاز به همگرایی و تعامل بیشتر میان آن‌ها برای بهبود اجرای این حقوق وجود دارد. در این راستا، تقویت همکاری میان دیوان و کمیته ضروری به نظر می‌رسد. برگزاری نشست‌های دوره‌ای و تبادل تجربیات میان این دو نهاد می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های مشترک کمک کرده و زمینه‌ساز اجرای مؤثرتر قوانین و تفاسیر شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، اقدام به تبدیل توصیه‌های کمیته به چهارچوب‌های الزام‌آور ملی کنند. این امر می‌تواند تضمین‌کننده اجرای بهتر تفاسیر و توصیه‌های کمیته در مقابله با کار کودکان باشد. علاوه بر این، آگاهی‌رسانی و آموزش حقوقی یکی دیگر از ابزارهای مهم برای مبارزه با کار کودکان است. دولت‌ها باید برنامه‌های آموزشی گسترده‌ای برای آگاهی‌بخشی به قضات، وکلا، معلمان، کارفرمایان و خود کودکان ترتیب دهند تا همگی به مسئولیت‌های خود در قبال حمایت از کودکان کار آگاه شوند. همچنین افزایش حمایت مالی برای ایجاد برنامه‌های نظارتی و حمایتی و تقویت نهادهای مستقل نظارتی، ضروری است. بازرسی‌های دوره‌ای و نظارت مستمر بر محیط‌های کار که ممکن است کودکان در آن‌ها به کار گرفته شوند، یکی از گام‌های اساسی در این زمینه است. در نهایت، همکاری‌های بین‌المللی باید تقویت شود. دولت‌ها باید از طریق امضای توافق‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، استانداردهای مشترکی برای مقابله با کار کودکان ایجاد کنند، به ویژه در مواردی که کودکان مهاجر در معرض کار اجباری قرار می‌گیرند، تعاملات بین کشورها می‌تواند نقش مهمی در بهبود شرایط حقوقی و اجرایی آن‌ها ایفا کند. بنابراین نتیجه‌گیری این است که برای مقابله مؤثرتر با کار کودکان، ایجاد هماهنگی بیشتر میان نهادهای حقوقی بین‌المللی و ملی و تقویت برنامه‌های حمایتی و نظارتی ضروری است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده اند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

References

1. Smith J. The European Court of Human Rights and its impact on child labor protections. European Human Rights Law Journal. 2016; 10(2): 98-121.

2. Jones M. The role of the Committee on the Rights of the Child in addressing child labor through general comments and recommendations. Children's Rights Quarterly. 2018; 15(1): 34-56.

3. Brown T. A comparative study of the European Court of Human Rights and the Committee on the Rights of the Child on child labor. Journal of Human Rights and International Law. 2017; 12(3): 145-167.

4. Miller A. Challenges in monitoring and enforcing children's rights: A focus on child labor. Human Rights Review. 2019; 18(4): 287-310.

5. Davis R. Coordination between the European Court of Human Rights and the Committee on the Rights of the Child in addressing child labor issues. International Journal of Human Rights Studies. 2020; 28(2): 214-233.

6. United Nations Convention on the Rights of the Child; 1989.

7. ILO. Convention No. 138 on the Minimum Age for Admission to Employment; 1973.

8. ILO. Convention No.182 on the Worst Forms of Child Labour; 1999.

9. Committee on the Rights of the Child. General comment No.16 on State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights; 2013.

10. Bhat A. Child labor in India. A critical analysis of law and policy. Journal of South Asian Studies. 2019; 15(2): 45-63.

11. Pierce M. Child labor laws in the United States: Past, present and future. American Labor Law Review. 2017; 30(4): 321-345.

12. Cunningham H. Children and work in the UK: A historical and legal analysis. Journal of Legal Studies. 2016; 19(3): 89-107.

13. Silva, R. Child labor in Brazil: Legal developments and policy responses. Latin American Human Rights Journal. 2018; 14(1): 67-88.

14. European Court of Human Rights (ECHR). Siliadin v. France; 2005.

15. European Court of Human Rights (ECHR). Chowdury and Others v. Greece; 2017.

16. European Court of Human Rights (ECHR). T.M. and C.M. v. Moldova; 2021.

17. European Court of Human Rights (ECHR). V. v. United Kingdom; 1999.

18. European Court of Human Rights (ECHR). D.H. and Others v. Czech Republic; 2007.

19. European Court of Human Rights (ECHR). Zehnalova and Zehnal v. Czech Republic; 2002.

20. European Court of Human Rights (ECHR). C.N. and V. v. France; 2012.

21. European Court of Human Rights (ECHR). L.E. v. Greece; 2018.

22. European Court of Human Rights (ECHR). M.C. and Others v. Italy and Bulgaria; 2020.

23. European Court of Human Rights (ECHR). O'Keeffe v. Ireland; 2014.

24. European Court of Human Rights (ECHR). C.N. v. United Kingdom; 2012.

25. Van Bueren G. Child Rights in Europe: Convergence and Divergence in Judicial Protection. International Journal of Children's Rights. 2007; 15(1): 145-167.

26. Cullen H. Exploitation of migrant children: A review of case law in the European Court of Human Rights. European Human Rights Law Review. 2019; 25(3): 212-233.

27. Committee on the Rights of the Child. General comment No.16 on State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights; 2013.

28. Committee on the Rights of the Child. General comment No.19 on public budgeting for the realization of children's rights; 2016.

29. Sloth-Nielsen J, Mezmur B. The African Committee of Experts on the Rights and Welfare of the Child and the Committee on the Rights of the Child: Comparing monitoring roles on child labor. International Journal of Children's Rights. 2017; 25(2): 345-366.

30. Tobin J. The UN Convention on the Rights of the Child: A Commentary. Oxford: Oxford University Press; 2019.

31. European Court of Human Rights (ECHR). Rantsev v. Cyprus and Russia; 2010.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-07]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.